

افزایش حقوق متناسب با تورم یا توم؟



وجد عظیمیا

دبیر گروه اقتصادی

موضوع افزایش حقوق نقطه تماس مستقیم دولت با زندگی بخش عمده‌ای از مردم است و طبعاً هر رقی که تعیین شود، قهراً در سفره رواگر دولت بازهم عدد ۴۰ درصد را به عنوان پیشنهاد افزایش حقوق در لایحه بودجه۵۱۴۰ روی میز بهارستان بگذارد، دیگر مسئله صرفاً اختلاف بر سر یک محاسبه اقتصادی

ساده نخواهد بود و آن وقت، پرسش از نوع نگاه حاکم بر سیاستگذاری معیشتی و میزان درک آن از واقعیت زیست‌شده جامعه مطرح می‌شود. مطرح شدن چنین دیدگاهی هم طبیعی است، چه آنکه در شرایطی که تورم نقطه‌به‌نقطه به مرز ۵۰ درصد رسیده‌است، افزایش اسمی ۲۰ درصدی حقوق در عمل به معنای کاهش حدود ۳۰ درصدی قدرت خرید نیروی کار در سال آ آینده خواهد بود. مهم‌تر آنکه این کاهش در فضای انتزاعی اعداد نیست، بلکه در توان تأمین مسکن، خوراک، آموزش و درمان بروز پیدا می‌کند. از آن مهم‌تر، وضعیت فعلی است چراکه حقوق کارگران و کارمندان مدت‌هاست به نقطه کشش‌ناپذیر رسیده و بدیهی است فشار جدید، فراتر از تعدیل مصرف، به حذف نیازهای اساسی منجر می‌شود. در چنین وضعیتی، بی‌توجهی به رابطه مستقیم میان تورم و مرز، پیامدهایی فراتر از اقتصاد ایجاد می‌کند. مطابق قواعد پذیرفته‌شده سیاستگذاری اقتصادی، افزایش حقوق باید حداقل متناسب با نرخ تورم باشد تا سطح واقعی دستمزد حفظ شود و این قاعده یک اصل بدیهی در اقتصاد نیروی کار است، بنابراین نادیده گرفتن آن به معنای انتقال تدریجی هزینه‌های تورم از دولت و ساختارهای ناکارآمد به دوش حقوق‌بگیران است، بااین حال به نظر می‌رسد بخش‌هایی از دولت عملاً نتقادی به این اصل ندارند و به جای آن، بر عده‌ی ثابت تکیه می‌کنند که هر سال بدون توضیح روشن، در لایحه بودجه تکرار می‌شود. عدد ۴۰ درصد در این میان به تدریج به یک مبنای مقدس تبدیل شده است که نه با نرخ تورم تغییر می‌کند، نه با تحولات بازار کار و نه با وضعیت واقعی معیشت مردم همخوانی دارد.

به درستی این پرسش اساسی این روزها مطرح شده‌است که این عدد دقیقاً بر چه مبنایی تعیین می‌شود. اگر قرار است افزایش حقوق تابع ملاحظات مالی دولت باشد، چرا این ملاحظات فقط در بخش دستمزد خود را نشان می‌دهد و در سایر هزینه‌ها و تعهدات خبری نیست؟ اگر تورم مبنای تصمیم‌گیری نیست، پس چه شاخصی جای آن را گرفته است؟ همچنین عریض‌وطولی اقتصادی در برابر این پرسش‌ها، شائبه نوعی توهم بی‌خبری از وضعیت واقعی زندگی حقوق‌بگیران را تقویت می‌کند که در سیاستگذار با اعداد روی کاغذ کار می‌کند و فاصله میان حکومت اسمی و معیشت واقعی را می‌بیند.

در همین بستر طرح اصلاح ماده ۴۱ قانون کار، اهمیت پیدا می‌کند و به باور برخی نمایندگان مجلس، این طرح صرفاً یک مداخله دستمزدی کوتا‌مدت نیست، بلکه تلاشی برای بازگرداندن یک قاعده روشن و الزام‌آور به سیاستگذار حقوق. یعنی الزام شورای عالی کار به تصویب افزایش سالانه حقوق حداقل به میزان تورم است که برای اصلاح سهم‌بیر نیروی کار از رشد اقتصادی و جلوگیری از تسخیر سیاست‌های معیشتی از سوی گروه‌های ذی‌نفع تلاش دارد. در غیاب چنین الزامی، نتیجه مذاکرات تعیین حقوق معمولاً به نفع طرفی تمام می‌شود که قدرت بیشتری در ساختار تصمیم‌گیری دارد و این قدرت، به‌ندرت در اختیار نیروی کار قرار می‌گیرد.

تقویت سازو کارهای قانونی افزایش حقوق و دستمزد بر پایه تورم، به معنای تقویت انضباط نسبی نیروی کار و افزایش قدرت چانه‌زنی جمعی آن در برابر شوک‌های قیمتی است. این مسئله به بهبود معیشت کمک می‌کند و طبعاً نقش مستقیم در کاهش نارضایتی اجتماعی و افزایش اعتماد عمومی به نهادهای تصمیم‌گیر دارد. از طرفی وقتی نیروی کار احساس کند قواعد بازی روشن است و دستمزد او حداقل از تورم عقب نمی‌ماند، رفتارهای پرت‌ریسک اقتصادی و اجتماعی نیز کاهش پیدا می‌کند. بر عکس، استمرار سیاست کاهش دستمزد واقعی، جامعه را به سمت فرسایش سرمایه اجتماعی و تشدید احساس بی‌عدالتی سوق می‌دهد.

در کنار قانون کار، قانون خدمات کشوری نیز دولت را مکلف کرده است حداقل افزایش حقوق کارکنان را متناسب با نرخ تورم پیشنهاد دهد. ثبت پیشنهاد الحاق این حکم به لایحه بودجه و طرح آن در صحن مجلس، تلاشی برای جلوگیری از دور زدن مکرر این الزام قانونی است. طبیعی است بدون تصریح روشن در متن بودجه، دولت‌ها به راحتی می‌توانند با استناد به محدودیت منابع، از اجرای این اصل شانه خالی کنند، در حالی که مسئله اصلی کمبود منابع نیست، بلکه نحوه توزیع باتورم میان دولت، بخش‌های راننی و نیروی کار است. طبق اظهارات یکی از نمایندگان مجلس، یکی از استدلال‌های رایج مخالفان افزایش دستمزد «ارجاع به نظر به «هاریچ دستمزد و تورم» است که افزایش حقوق را عامل تشدید تورم معرفی می‌کند. این استدلال، اگرچه سوال را ادبیات سیاستگذاری تکرار شده‌است، اما از نظر علمی پشتوانه محکمی ندارد. در دهه ۱۹۸۰ به بعد، شواهد جدی برای وجود یک ماریچ پایدار میان دستمزد و تورم در اقتصادهای مختلف مشاهده نشده‌است. بحث عمده تورم‌های تجربه‌شده در جهان، ناشی از شوک‌های غیرعادی سبب عرضه، اختلالات زنجیره تأمین، افزایش قیمت انرژی و سیاست‌های پولی بوده است، حتی در موارد محدودی که همبستگی کوتا‌مدتی میان افزایش دستمزد و تورم دیده شده، شتاب اولیه به‌سرعت تثبیت شده و به یک چرخه پایدار تبدیل نشده‌است. تغییر ساختار بازار کار، کاهش قدرت اتحادیه‌های کارگری و افت سهم نیروی کار از تولید، عملاً امکان اثرگذاری قابل توجه و مداوم دستمزد بر تورم را زایل کرده‌است. در چنین شرایطی، بافتاری بر این نظر به بیش از یک دهه مبتنی بر واقعیت‌های اقتصادی باشد، به ابزاری برای تسویه سر کوب مزید تبدیل شده‌است.

واقعیت این است که افزایش حقوق متناسب با تورم، عامل ایجاد تورم نیست، بلکه واکنشی ضروری به آن است. تورم پیش از آنکه در فیش حقوقی دیده شود، در قیمت کالاها و خدمات شکل گرفته‌است، همچنین جلوگیری از تعدیل دستمزد تورم را مهمل نمی‌کند، بلکه فقط هزینه آن را به ضعیف‌ترین گروه‌های درآمدی منتقل می‌کند. نتیجه این انتقال، کاهش تقاضای مؤثر، تضعیف بازار داخلی و در نهایت تعمیق رکود است که خود می‌تواند به بی‌ثباتی بیشتر منجر شود. اصرار بر افزایش حقوق و دستمزد طبق عدد ۴۰ درصد، بدون ارائه مبنای شفاف، نشان‌دهنده نوعی گسست میان سیاستگذاری و واقعیت اجتماعی است چراکه این عدد، حاصل محاسبه تورم و نتیجه بررسی سبد معیشت نیست و برآمده از گفت‌وگوی واقعی با نمایندگان نیروی کار است. این بحث مشخص است برنده چه طرفی باید باشد، تداوم این رویکرد، این ذهنیت را تقویت می‌کند که سیاستگذار بیش از آنکه نگران حفظ قدرت خرید مردم باشد، در پی مدیریت ظاهری اعداد بودجه است که هزینه‌های آن به صورت خاموش و تدریجی بر زندگی مردم تحمیل می‌شود.

جان کلام آنکه مسئله افزایش حقوق و دستمزد متناسب با تورم، یک موضوع اساسی است و دولت نباید به بهانه‌های مختلف از جمله نبود منابع از آن سر باز زند. پذیرش این اصل به معنای پذیرش واقعیت‌های موجود و تلاش برای توزیع عادلانه‌تر بار تورم است و نادیده گرفتن آن، راهی کوتا‌مدت برای کاهش فشار بر بودجه دولت فراهم می‌کند، اما در بلندمدت هزینه‌های به‌مراتب سنگین‌تر در قالب نارضایتی اجتماعی، کاهش بهره‌وری نیروی کار و تضعیف سرمایه انسانی به همراه دارد.



گزارش یک
بیتاز قاسمی

سرانجام بعد از دو هفته گرانی غیرمنطقی نرخ ارز در بازار، بانک مرکزی سکوت را شکست و روز گذشته از مهم‌ترین اقداماتش برای کاهش التهابات بازار ارز خبر داد. به گفته سخنگوی این بانک، حساب ۲۵۱ نفر از مظنون‌ها به پولشویی و اخلاخل در بازار ارز که بیش از ۶ هزار حساب و تراکنش ۲۱۰ همتی در چند روز اخیر در بازار ارز داشتند، شناسایی و مسدود شد. پرونده این افراد با همکاری وزارت اقتصاد به قوه قضائیه ارسال خواهد شد. نوسانات شدید دلار که در دو هفته اخیر اوج گرفته، نرخ دلار را به ۱۲۰ هزار تومان رسانده است. کنشگران دلیل نوسانات شدید دلار را در دو هفته اخیر تصمیمات پراکنده، اظهارنظرهای متناقض و نبود یک خطمشی واحد در حوزه ارزی می‌دانند و معتقدند این اقدامات، بازار را در وضعیت‌ی نگه داشته است که هر خبر و هر شایعه‌ای می‌تواند به نوسان جدید قیمت‌ها منجر شود، در چنین شرایطی مسئولیت مستقیم این وضعیت متوجه دولت است؛ دولتی که هنوز نتوانسته میان اجزای اقتصادی خود به زبان مشترک برسد.

■ ■ ■

در هفته‌های اخیر تصمیمات یک‌شبه مانند حذف ارز ترجیحی واردات برنج، مصوبه «واردات مرزی بدون انتقال ارز» و اظهارات متناقض و چندصدایی در کابینه دولت موجب افزایش التهابات بازار ارز شد و نرخ ارز را از ۹۸ هزار تومان به ۱۳۰ هزار تومان رساند؛ اقداماتی که سفره‌های مردم را تهدید، کوچک و کوچک‌تر کرد. وقتی یک عضو کابینه از تک‌نرخ‌سازی ارز سخن می‌گوید، ضو دیگر از کمبود منابع ارزی خبر می‌دهد و بخش دیگری از دولت بی‌سروصدا مجوز واردات کالاهای غیرضروری را صادر می‌کند، پیام واحدی به بازار مخابره نمی‌شود. نتیجه روشن است، بازار راه خودش را می‌رود و هزینه این سردرگمی، مستقیماً روی قیمت کالاهای اساسی، دارو و اقلام مصرفی مردم می‌نشیند. در شرایطی که کشور با محدودیت منابع ارزی، فشار تحریم‌ها و ناطمینیاتی‌های سیاسی روبه‌رو است، انتظار حداقلی از دولت، انسجام در تصمیم‌گیری و پذیرش مسئولیت پیامدهاست. بدیهی است تارمانی که دولت نتواند در نوبی به اجماع برسد، نه ثبات شکل می‌گیرد و نه می‌توان از مردم انتظار همراهی داشت. بازار بیش از هر چیز، منتظر یک تصمیم‌گیر واحد، هماهنگ و قابل اتکا است، تصمیمی که هنوز از سوی دولت به طور شفاف اعلام نشده‌است، البته در روزهای گذشته هرازگاهی خبری غیر شفاف و مبهم از سوی بانک مرکزی در راستای کاهش التهابات بازار منتشر می‌شد اما هیچ‌کدام منابع افزایش نرخ ارز نشد،

گزارش یکصباحدو

شوک هزینه‌ای جدید به جیب مردم

شوک هزینه‌ای جدید به جیب مردم

هزینه افتتاح حساب بانکی: ۲۲۵ هزار تومان!

هر متقاضی فقط باید بابت ابطال ۳تمبر مالیاتی مورد نیاز برای افتتاح حساب، مبلغ ۲۲۵هزار تومان پرداخت کند، این در حالی است که تا پیش از این، مجموع این هزینه حدود ۱۱هزار تومان بود

کار آمده است و این سازمان هم از متقاضیان افتتاح حساب مبلغ بالایی مالیات کسر می‌کند، دیگر افتتاح حساب‌های متعدد مقرون به صرفه نیست و برای ا فشار متوسط و ضعیف جامعه پرداخت آن غیرمنطقی و دشوار است.

■ **افزایش ۲۰۰برابری هزینه افتتاح حساب بانکی**

دولت با اجرای مصوبه جدید خود درباره اصلاح تعرفه حق تمبر مالیاتی، عملاً هزینه‌های بخش وسیعی از خدمات عمومی و ضروری را با افزایشی خیره‌کننده مواجه کرده‌است. این افزایش، دیگر محدود به اسناد تجاری پیچیده نیست، بلکه مستقیماً به جیب میلیون‌ها شهروند دادی و صاحبان کسب‌و کارهای خرد مخلور شده است.

در کانون این تغییرات، «افتتاح حساب بانکی» قرار دارد، خدمتی که روزی تقریباً رایگان به شمار می‌آمد و اکنون به یک کالای لوکس تبدیل شده‌ است. بر اساس بخشنامه ابلاغی سازمان امور مالیاتی، هزینه افتتاح حساب به تنهایی با یک شوک ۲۰۰برابری روبه‌رو شده است. رقم جدید حیرت‌انگیز است: هر متقاضی باید تنها بابت ابطال سه تمبر مالیاتی مورد نیاز برای افتتاح حساب، مبلغ ۲۲۵ هزار تومان پرداخت کند، این در حالی است که تا پیش از این، مجموع این هزینه حدود ۱۱ هزار تومان بود. چنین افزایش ناگهانی و بی‌سابقه‌ی خدمات بانکی را برای قشرهای کم‌درآمد جامعه به چالشی بزرگ تبدیل می‌کند.

اما دامنه این گرانی ناگهانی، فراتر از بانک‌های نوپا است. بر اساس همین مصوبه، صدور و تمدید پروانه‌های حوزه پزشکی، از ملب پزشکان و دندانپزشکان گرفته تا داروخانه‌ها و آزمایشگاه‌ها، همگی مشمول پرداخت حق تمبر مالیاتی جدید شده‌اند، این یعنی هزینه ارائه خدمات درمانی نیز در آستانه افزایشی قابل توجه قرار دارد، همچنین مجوزهای کسب‌وکار، کارت‌های شناسایی صنفی و سایر پروانه‌های اشتغال که از سوی اتحادیه‌ها و دستگاه‌های اجرایی صادر می‌شود، شامل این قانون افزایش ۲۰۰برابری هزینه افتتاح حساب بانکی این

اقتصاد

سرویس اقتصادی ۶۰۰۸۵۲۳

۱۳هزار میلیارد تومان پولشویی جوان ۲۴ ساله

سخنگوی بانک مرکزی: ۶هزار حساب ۲۵۱مظنون به پولشویی در بازار ارز با تراکنش ۲۱۰همتی مسدود شد. در میان مظنون‌ها حساب جوانی که ۲۴سال سن دارد با تراکنش ۱۳هزارمیلیارد تومانی رکورددار بود

رصد تأمین ارز کالاهای اساسی و دارو با حضور نمایندگان وزارتخانه‌ها پیگیری می‌شود. نشست رئیس کل بانک مرکزی با وزیران صمت و بهداشت و درمان به منظور بررسی دقیق نیازهای ارزی دو وزارتخانه و اولویت‌های اعلامی آنها در ثبت سفارشات ارزی‌شان برگزار شد.

در این دو نشست، ضمن تأکید بر ترکیب کالاها در تالار یک و ۲ ارزی مرکز میادله، مذاکرات و بررسی‌های دقیق و کارشناسی برای تأمین ارز کالاهای اساسی و دارو و صنایع انجام شد. در این دو جلسه مقرر شد نسبت به بررسی دقیق‌تر ثبت سفارش‌ها و بازسازی و اصلاح روند ثبت سفارش‌ها از سوی وزارتخانه‌های مربوط اقدام شود، بانک مرکزی نیز بر اساس تعدیلات و اصلاحات انجام شده نسبت به تخصیص ارز در اولویت‌های اعلامی وزارتخانه‌های مذکور اقدامات لازم را انجام دهد، همچنین به دستور رئیس کل بانک مرکزی، کمیته تخصصی رصد تأمین ارز کالاهای اساسی و دارو با حضور نمایندگان وزارتخانه‌ها تشکیل و روزانه این موضوع پیگیری می‌شود.

وی گفت: از مردم عزیز در خواست داریم از هر گونه تراکنش و مراده مالی با حساب‌ها و افرادی که مشکوک به عملیات پولشویی هستند، اکیداً خودداری کنند، چون این موضوع حتماً تبعات قانونی و قضایی خواهد داشت و می‌تواند به منضر شدن مردم عزیزمان منجر شود. این موضوع به صورت مستمر از سوی بانک مرکزی دنا‌مورد رصد و پایش قرار می‌گیرد و هر گونه تخلف در این زمینه حتماً به مرج قضایی ارسال می‌شود.

■ **چندصدایی در دولت**

متهم اصلی نوسان‌آرزی
کارشناس مسائل اقتصادی ارزی معتقدند سیاست ارزی را نمی‌توان مستقل از سایر سیاست‌های کلان اقتصادی بررسی کرد. سیاست ارزی و ثبت نرخ ارز صرفاً بر مبنای بانک مرکزی نیست. ممکن است وزارت صمت، وزارت اقتصاد، وزارت جهاد کشاورزی و سایر ارکان دولت یا حتی شرکت‌های دولتی اقداماتی انجام دهند که تصمیمات و سیاست‌های بانک مرکزی برای ثبات‌بخشی به نرخ ارز را خنثی کند و این اتفاق دقیقاً امروز در حال وقوع است. افزون بر اینکه بانک مرکزی باید تدابیر و ابزار لازم را در اختیار داشته کند. سایر بخش‌های دولت نیز باید هماهنگ و همراه سیاستگذار ارزی عمل کنند که متأسفانه در دولت چهاردهم این همراهی به وضوح دیده نمی‌شود. به‌طور مثال، اینکه وزیر محترم اقتصاد داشته‌اند، مسئول تورم دستمزدها از سوی دیگر بارها و بارها سینگنال تکررنخی کردن ارز دهد، متصادق فرافکنی است.

عمق فعالیت‌های مشکوک است.

معاون سیاستگذاری پولی بانک مرکزی تأکید کرد که پرونده این ۲۵۱نفر با همکاری وزارت امور اقتصادی و دارایی تکمیل و جهت رسیدگی قضایی به قوه قضائیه ارسال خواهد شد، همچنین وی از ارسال جداگانه پرونده ۱۳ نفر دیگر از مظنون‌های پولشویی و اخلاخل **آخرین وضعیت مظنات**

در مرکز میادله ارز

سخنگوی بانک مرکزی در بخش دیگری از صحبت‌های خود به تشریح وضعیت حجم معاملات در بازار رسمی پرداخت و حجم معاملات در مرکز میادله را بین ۱۵۰ تا ۲۰۰میلیون دلار اعلام کرد و گفت: حجم معاملات در تالار دوم نیز ۳۰میلیون دلار است. نرخ توافقی ارز در تالار دوم هم در بازه ۱۰۰ تا ۱۰۷ هزار تومان قرار دارد. این اقدامات بانک مرکزی نشان‌دهنده عزم جدی سیاستگذار پولی برای شفاف‌سازی جریان نقدینگی و مقابله با سفته‌بازی‌های مخرب در بازار ارز است.

■ **اقدامات بانک مرکزی**

برای مدیریت بازار ارز ادامه دارد

به دستور رئیس کل بانک مرکزی، کمیته تخصصی